



در طول هشتاد سال گذشته، یعنی از سال ۱۹۲۰ تا سال ۲۰۰۰ میلادی، سیزده ترجمه از قرآن مجید به زبان ژاپنی، با تلاش و همت دوازده مترجم مسلمان و غیر مسلمان ژاپنی انجام شده که بیشتر آنها چاپ و منتشر شده‌اند. در نخستین کوشش‌هایی که برای ترجمه قرآن مجید به زبان ژاپنی توسط تنی چند از اندیشمندان ژاپنی صورت گرفت، تأکید بر مقایسه قرآن با کتاب‌های ادیان دیگر بود. بجزیکی دو مورد که مترجمان به تبیین و توضیح آیات پرداخته‌اند، دیگران همان هدف نخستین را دنبال کرده‌اند. با این حال در بسیاری از موارد، ترجمه‌ها از توضیحاتی که به فهم بیشتر قرآن کمک می‌کنند، خالی هستند.

علاوه بر این، محصور بودن ژاپن در میان آب‌ها و عدم ارتباط آن با کشورهای دیگر و نیز ممنوع بودن تبلیغ ادیان – که از اواخر قرن شانزدهم توسط حاکمان فئودال اعمال می‌شد – عملاً موجب قطع ارتباط فرهنگی این کشور با سایر نقاط جهان به مدت سیصد سال یعنی تا نیمه دوم قرن نوزدهم گردید. به همین سبب ژاپن نتوانست به ادیان دیگر به ویژه مسیحیت و اسلام که در آن دوران به طور وسیعی گسترش یافته بود نزدیک شود. اما در میان متفکران

ژاپنی، افراد معدودی وجود داشتند که مشتاق آشنایی با اصول اسلام و خواندن قرآن کریم بودند. در آن روزگار، یعنی هشتاد سال پیش، مطالعه زبان عربی که زبان قرآن است کار چندان آسانی نبود. بر این اساس، برای رفع نیاز افراد علاقه‌مند به معانی قرآن، ترجمه قرآن به زبان ژاپنی آغاز شد.

ما در این مقال برآنیم تا ترجمه‌های ژاپنی قرآن مجید را مورد بررسی قرار دهیم و به ویژگی‌ها و خصوصیات هر یک اشاره‌ای کنیم.

۱. نخستین ترجمه کامل قرآن کریم به زبان ژاپنی، توسط فردی به نام ساکاموتوری سیو (کن ایچی)^۱ انجام شد. این ترجمه با نام ژاپنی *Koran-kyo* در سال ۱۹۲۰ در دو جلد از مجموعه‌ای پانزده جلدی به نام «کلیات کتاب‌های مقدس جهان» با همت «انجمن نشر و توزیع کتاب‌های مقدس جهان»^۲ چاپ و منتشر گردید، که جلد اول آن ۴۱۹ صفحه و جلد دوم آن ۴۲۸ صفحه داشت.

ساکاموتو مترجم این قرآن، فارغ التحصیل دانشکده ادبیات دانشگاه توکیو بود. وی مسلمان نبود و به زبان عربی اندکی آشنایی داشت. ساکاموتو در مقدمه ترجمه‌اش به این مطلب اشاره کرده است که در کار خود از برخی ترجمه‌های غیر عربی که توسط بعضی از مترجمان از جمله جرج سیل (۱۷۳۶-۱۶۹۷م)، جی.ام. رادول (۱۹۰۰-۱۸۰۸م) و ادوارد هنری پالمیر (۱۹۰۰-۱۸۰۸م) انجام گرفته، استفاده کرده است.

به نظر می‌رسد ساکاموتو که در دانشکده ادبیات دانشگاه توکیو درس تاریخ می‌خوانده، به زبان انگلیسی نیز تسلط داشته است؛ چنان که در همان سال‌ها وقتی تاریخ مغرب زمین را به عنوان بخشی از تاریخ جهان مطالعه می‌کند، متوجه این نکته می‌شود که اسلام کمک فراوانی به پیشرفت تمدن جهان نموده است، و همین عامل توجه او را به مطالعه اسلام جلب می‌کند. وی در سال ۱۹۰۳ کتابی به نام تاریخ جهان منتشر ساخت. ساکاموتو در پایان ترجمه‌اش از قرآن، به آشنایی نزدیکی که از نظر فکری با اسلام پیدا کرده بود، اشاره نموده و این آرزو را که بتواند درباره اسلام به عنوان یک مذهب توضیحاتی بنویسد، ذکر کرده است.

او علاوه بر ترجمه قرآن کریم، تاریخ زندگی پیامبر اکرم (ص) را نیز به نام زندگی نامه محمد

1. Sakamoto Reisyu (Kenichi).

2. Sekai - Seiten - FUKYU Kai.

با سبکی شیوا و دلپذیر نوشته است. در دورانی که ترجمه او از قرآن در میان مردم ژاپن انتشار یافت، ژاپنی‌ها مطالعه چندانی درباره اسلام و زبان عربی نداشتند، و به همین دلیل امکان ارزیابی این ترجمه نیز وجود نداشت. علاوه بر این، چون این ترجمه از روی ترجمه‌های انگلیسی انجام شده بود، واژه‌های قرآنی در آن فاقد هرگونه توضیح روشن بود، و این غربت تا آن جا کشیده شد که برای تبیین آن اصطلاحات، از واژه‌های مذهبی مکتب بودایی که در ادبیات مذهبی ژاپن کاربرد دارد، استفاده می‌شد. به کارگیری واژه‌های مترادف از اناجیل اربعه که در آن زمان به طور کامل ترجمه و منتشر شده بود، و حتی استخدام عباراتی از مکتب کنفوسیوس که از گذشته تأثیر زیادی بر فرهنگ ژاپنی نهاده بود، از جمله کارهایی بود که در توضیح واژه‌های قرآنی مورد توجه قرار می‌گرفت.

اطلاعات محدود مترجم از زندگی مردم عربستان در آن روزگار، زمینه اشتباهات و ابهام‌هایی را در ترجمه او به وجود آورده است. با این همه، ترجمه قرآن، خوانندگان ژاپنی را برای نخستین بار با چهره قرآن کریم آشنا کرد و به آنان شناختی نسبی از اسلام و قرآن ارزانی داشت.

در سال‌های میان ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۰ میلادی، به دنبال تحولاتی که در ژاپن و دیگر نقاط جهان از نظر صنعت و توسعه تکنولوژی‌های ارتباطی پیش آمد، جهان به کلی دگرگون شد. در این دوران، و به دنبال انتشار آثاری در مورد قرآن و اسلام در ژاپن، ژاپنی‌ها به تاریخ اسلام به عنوان بخشی از تاریخ دنیا و جغرافیای مذهبی جهان، علاقه خاصی پیدا کردند، به گونه‌ای که در حوالی سال ۱۹۳۰، اندیشمندان ژاپنی به مسائل سیاسی و اقتصادی مسلمانان آسیا توجه بیشتری مبذول داشتند و مطالعه گسترده‌تر اسلام را در راستای آشنایی بیشتر با مسلمانان جهان مورد تأکید قرار دادند.

۲. دومین ترجمه ژاپنی قرآن مجید با همکاری سه نفر به نام *آریگا آماد*^۱، *تاکاهاشی گورو*^۲ و *یاماگوچی میزو*^۳ به انجام رسید. این ترجمه با عنوان ژاپنی *Sei-Koran-Kyo* در سال ۱۹۳۸، همزمان با بنای مسجد توکیو، در یک جلد به کوشش «انجمن نشر و توزیع کتاب مقدس

1. Ariga Amad.

2. Takashi Goro.

3. Yamaguchi Mizuho.

قرآن^۱ در ژاپن چاپ و منتشر گردید.

در این ترجمه گروهی، **تاکاهاشی** مسئول ترجمه بود و **آریگا** کار چاپ و انتشار آن را برعهده داشت. **تاکاهاشی** به عنوان محور انجام این مهم، در تکمیل کار دشوار ترجمه ژاپنی انجیل نیز کمک فراوانی کرده بود. این ترجمه در اصل، در سال‌های ۱۸۰۷ تا ۱۹۱۱ توسط **ان. براون**، مبلغ آمریکایی ساکن ژاپن و نیز **جی.سی. هیپورن** انجام شده بود.

در سال ۱۸۸۷ نیز ترجمه کاملی از متون قدیم و جدید انجیل به زبان ژاپنی انتشار یافت. تأثیر این ترجمه‌ها بر افکار و ادبیات و اعتقادات مذهبی مردم ژاپن بسیار چشمگیر بود. **تاکاهاشی** در دوران نوجوانی در زمینه تبلیغ مسیحیت تلاش فراوانی کرد و از این رهگذر، آثار ادبی و ترجمه‌های فراوانی از خود باقی گذاشت. اما از این که از چه زمانی آشنایی وی با **آریگا** آغاز شد و اسباب ترجمه ژاپنی قرآن فراهم آمد، اطلاعی در دست نیست. **آریگا** که در ترجمه ژاپنی قرآن با **تاکاهاشی** همکاری داشت، در جوانی به قصد تجارت عازم هند شد. او که فردی مسیحی بود، هنگام اقامت در بمبئی تحت تأثیر افکار مسلمانان و مطالعات اسلامی خود قرار گرفت و مسلمان شد. واژه «آماد» در نام وی، تغییر یافته واژه اسلامی «احمد» است. او چندی بعد، از فعالیت‌های بازرگانی‌اش دست کشید و وقت خود را صرف تبلیغ اسلام کرد. برای این کار احساس می‌کرد که باید به هر طریقی که ممکن است از قرآن شناخت بیشتری پیدا کند. **آریگا** خود نیز به انتشار ترجمه‌ای روان و سلیس اشتیاق فراوان داشت. این ترجمه که در قطع کوچک انتشار یافت، تمامی ۱۱۴ سوره قرآن را در ۸۷۸ صفحه در بر داشت. ترجمه مزبور فاقد مقدمه، تفسیر و هرگونه حاشیه بود و از متن عربی قرآن نیز خالی بود و ترتیب سوره‌ها در آن با چاپ‌های معمولی قرآن تفاوت داشت و به نظر می‌رسید که براساس ترجمه انگلیسی **رادول** تدوین شده باشد.

۳. یک محقق توانای ژاپنی به نام **اوکوبوکوجی**^۲ که عمر خود را صرف مطالعه و تحقیق درباره اسلام کرده بود، تنها سه سوره اول قرآن کریم را با همکاری «مرکز پژوهش‌های قرآن» به زبان ژاپنی ترجمه کرد. این ترجمه ناقص در سال ۱۹۵۰ با نام *Hoyaku-Koran* توسط

1. Sei-Koran Kyo Kanko Kai.

2. Ōkubo Koji.

انتشارات توکوشواین^۱ در ژاپن چاپ و منتشر گردید.

اگر از دیدگاه اسلامی به این گونه ترجمه‌ها توجه شود، شاید انجام این کارها، آن هم توسط یک غیر مسلمان، فاقد هرگونه ارزش به شمار آید؛ اما نباید فراموش کرد که به هر حال همین تلاش‌ها زمینه را برای ترجمه‌های معتبر قرآن در سال‌های بعد فراهم کرد و موجب آشنایی بیشتر مردم ژاپن به ویژه دانشمندان ژاپنی با اسلام شد.

۴. محقق دیگری به نام *اوکاوا شومه‌ای*^۲ تمام قرآن را به زبان ژاپنی ترجمه کرده است. این ترجمه با نام *Koran* پنج سال پس از جنگ جهانی دوم، یعنی در فوریه ۱۹۵۰ توسط انتشارات «ایوانامی شوتن»^۳ در ۸۶۳ صفحه چاپ و منتشر گردید. در آن دوران، بیشتر کشورها در حال بازسازی خود بودند، اما ویرانی در بیشتر شهرهای ژاپن همچنان به چشم می‌خورد. تهیه مواد چاپی به ویژه کاغذ با مشکلات فراوانی رو به رو بود. از این رو انتشار ترجمه‌ای از قرآن مجید در آن دوران، اقدامی کاملاً استثنایی به شمار می‌آمد، به ویژه آن که در برابر چاپ و انتشار آن، سودی نصیب مترجم نمی‌شد. به همین جهت برای بسیاری از ژاپنی‌ها که اطلاعی از علاقه‌مندی *اوکاوا* به قرآن نداشتند، درک این معنی مشکل بود که چرا وی دست به کاری زده است که توجیه اقتصادی چندانی ندارد. پیش از جنگ، روحیه نظامی فرماندهان ژاپنی به نحوی بود که رژیم حاکم بر آن کشور در سودای تهاجم به چین و منچوری لحظه شماری می‌کرد و مردم ژاپن نیز مجبور بودند تحت عنوان میهن پرستی به درخواست نظامیان گردن نهند. شعار دستیابی به استقلال ملی آسیا که *اوکاوا* نیز از طرفداران سرسخت آن بود، محور اتحاد عمومی شده بود. با شکست ژاپن در جنگ و استقرار نیروهای اشغالگر که توسط آمریکا سازماندهی می‌شد، *اوکاوا* دستگیر شد و به اتهام همکاری در جنگ به زندان افتاد.

در نخستین روز محاکمه (۳۰ مه ۱۹۴۶) *اوکاوا* در دادگاه، رفتاری غیر عادی از خود نشان داد تا آن جا که او را برای تحقیق بیشتر از دادگاه بیرون بردند. آزمایش‌هایی که از سوی پزشکان آمریکایی و ژاپنی از وی به عمل آمد، نشان می‌داد که وی به نوعی بیماری روانی

1. Toko Shoin.

2. Okawa Shumei.

3. Iwanami Shoten.

مبتلا شده است. سرانجام محاکمه او به بعد از معالجه‌اش در بیمارستان موکول شد، که آن هم نهایتاً مسکوت ماند. پس از این ماجرا، جز برخی از نزدیکانش، کسی از محل زندگی او اطلاعی نداشت؛ به همین دلیل در آن اوضاع آشفته پس از جنگ، نام اوکاووا به طور کامل از خاطره‌ها رفت؛ ولی این حقیقت که چگونه اوکاووا پنج سال پس از جنگ، قرآن مجید را ترجمه کرد و آن را منتشر ساخت، تعجب مردم را برانگیخته بود. شاید نگاهی کوتاه به زندگی او تا حدودی بتواند پاسخ این سؤال را روشن کند. اوکاووا در سال ۱۸۸۶ در منطقه یاماگاتا در شمال ژاپن به دنیا آمد. پس از پذیرفته شدن در بخش فلسفه دانشکده ادبیات دانشگاه توکیو با اندیشه‌های شرقی و فلسفه هندو آشنا شد. چندی بعد در شرکت راه آهن جنوب منچوری که در آن زمان یک شرکت ملی ژاپنی بود، مشغول به کار شد. او غیر از تلاش‌های معمول خود به کارهای ادبی گوناگونی نیز اشتغال داشت و به عنوان یک کارشناس علوم نظری در مبانی اندیشه‌ها و تفکرات مردم ژاپن نیز اشتغال یافت.

اوکاووا یک پژوهشگر جدی در رشته حقوق بود و به همین دلیل پس از چندی از دانشگاه توکیو که عالی‌ترین مرکز آموزشی در ژاپن است، دکترای حقوق گرفت. عنوان رساله دکترای او «مطالعه خط مشی مستعمراتی شرکت انگلیسی هند شرقی» بود. از نوشته‌های اوکاووا بر می‌آید که وی در دوران تحصیل در دبیرستان، داستان زندگی حضرت محمد(ص) را مطالعه نموده و دوره‌ای آموزشی درباره اسلام دیده است. اما روندی که به طور کلی اوکاووا را به مطالعات اسلامی و نهایتاً به گرایش به سوی اسلام هدایت می‌کرد آشنایی او با آثار گوته بود؛ چنان که خود در نخستین بخش مقدمه ترجمه‌اش از قرآن مجید به این نکته اشاره کرده است. اوکاووا پس از آن، تا پایان عمر خود مطالعه درباره اسلام را ادامه داد.

اوکاووا در سی سالگی کار ترجمه قرآن را آغاز کرد. ترجمه او به صورت پیوسته تا سوره توبه در یک مجله محلی به چاپ می‌رسید. او همزمان کتاب الحدیث را ترجمه کرد و زندگی‌نامه حضرت محمد(ص) را نیز نوشت. در سال ۱۹۴۲ کتابی تحت عنوان آشنایی با اسلام منتشر ساخت. این کتاب در میان کتاب‌هایی که در ژاپن درباره اسلام منتشر شده است، با ساختاری منطقی، به فهم و درک اسلام به عنوان یک دین اصیل کمک فراوانی می‌کند.

اوکاووا پس از گذراندن دوران نقاهت در بیمارستان و بهبودی نسبی، به فکر عملی ساختن آرزوی دیرینه‌اش، یعنی ترجمه قرآن مجید افتاد. چندی بعد، کار را آغاز کرد و مدت

دو سال وقت خود را صرف انجام این کار بزرگ نمود. سرانجام این ترجمه در سال ۱۹۵۰ به چاپ رسید.

اوکاوا با این که پیامبر اسلام (ص) را بسیار می‌ستود و مطالعات فراوانی درباره اسلام داشت، خود مسلمان نشد و سرانجام در سال ۱۹۵۹، در سن ۷۱ سالگی دفتر زندگی پرحادثه‌اش بسته شد. **اوکاوا** با وجود اطلاعات فراوانی که در زمینه‌های مختلف از جمله اسلام داشت و بر چند زبان خارجی مسلط بود، به زبان عربی احاطه کافی نداشت. از این رو، در یادداشتی که در این زمینه از او به جای مانده، چنین آمده است: «تنها یک مسلمان پرهیزگار آن هم با تسلط به زبان عربی قادر خواهد بود قرآن مجید را آن چنان که شایسته است ترجمه کند».

۵. یک مسلمان ژاپنی به نام **اوکاوا هارومی**^۱ در سال ۱۹۵۴ قرآن کریم را به زبان ژاپنی ترجمه کرد و آن را به دولت پاکستان اهدا نمود. از چاپ یا عدم چاپ آن در پاکستان، اطلاعی در دست نیست.

۶. یک اسلام‌شناس معروف ژاپنی به نام **توشی هیکو ایزوتسو**^۲ تمام قرآن را به زبان ژاپنی ترجمه کرد. این ترجمه در سال ۱۹۵۷ با نام *Koran* در سه جلد و در ۹۵۲ صفحه به همت انتشارات ایوانامی شوتن به چاپ رسید، و در سال ۱۹۶۲ نیز تجدید چاپ شد. نخستین چاپ این ترجمه به دلیل اشتباهات و برداشت‌های نادرستی که در آن وجود داشت با خشم مسلمانان ژاپن رو به رو گردید و در نتیجه چاپ مجدد آن متوقف شد، تا آن که در سال ۱۹۸۰ انجمن اسلامی ژاپن توانست به کمک عده‌ای از کارشناسان علوم اسلامی و قرآنی اشتباهات آن را رفع و زمینه تجدید چاپ آن را فراهم کند. شکل جیبی و قیمت ارزان این ترجمه باعث پخش وسیع آن در سطح جامعه شد؛ چنان که امروز نیز پس از گذشت ۴۳ سال از نخستین چاپ آن، به آسانی می‌توان در کتابفروشی‌های سراسر ژاپن به آن دست یافت.

بارزترین ویژگی این ترجمه آن است که مترجم آن از محققان برجسته اسلام‌شناس بود و به زبان عربی تسلط کامل داشت. لذا این ترجمه به طور مستقیم از متن عربی برگردانده شده است و از این جهت با ترجمه‌های دیگر فرق دارد.

1. Ukawa Harumi.

2. Toshi Hiko Izutsu.

توشی هیکو ایزوتسو در سال ۱۹۱۴ به دنیا آمد. پس از گذراندن دوره‌های اولیه تحصیل وارد دانشگاه «کِ ای اُ»^۱ شد و به مطالعه فلسفه و زبان‌شناسی پرداخت و زبان‌های خارجی متعددی فراگرفت و به زبان عربی تسلط کاملی پیدا کرد. ایزوتسو طی سال‌های طولانی با سرپرستی مؤسسه مطالعات فرهنگی و زبان‌شناسی دانشگاه «کِ ای اُ» مطالعات اصلی خود را سامان داد و دانشجویانی نیز در این زمینه تربیت کرد، و بعدها به عنوان استاد مدعو دانشگاه مک گیل کانادا، نقش برجسته‌ای در پیشرفت مطالعات اسلامی در خارج از کشور ایفا کرد. او با دانشگاه تهران و دانشمندان برجسته ایرانی نیز تماس‌های علمی فراوان داشت و چندین بار به ایران سفر کرد.

ترجمه ژاپنی قرآن مجید که توسط پروفیسور ایزوتسو به نگارش درآمد، سبک محاوره‌ای خاصی دارد که ارتباط نزدیکی را با خواننده برقرار می‌کند. البته این سبک آزادنویسی در نگارش، موجب بروز اشتباهات و تعابیر نادرست در ترجمه گردید که با واکنش مسلمانان ژاپن مواجه شد. با این حال، مترجم در مقدمه ترجمه‌اش در دفاع از سبک خود می‌نویسد:

«تازمانی که قرآن به زبان عربی است می‌توان آن را کتاب مقدس نامید، اما در ترجمه به زبان‌های دیگر، به نوعی توضیح و نوشتار تبدیل می‌شود که چیزی جز یک اثر ادبی معمولی نیست، و به همین دلیل این ترجمه ژاپنی، دیگریک کتاب مقدس نمی‌تواند باشد.»

ایزوتسو در اشاره به مشکل بزرگی که در ترجمه قرآن با آن مواجه بوده است می‌افزاید:

«هر چه دانش خود را در زمینه فهم زبان عربی عمق می‌بخشیم، مشکلات ترجمه قرآن کریم از زبان اصلی به زبان‌های دیگر را بیشتر احساس می‌کنیم، تا آن جاکه حتی به نظر می‌رسد انجام چنین کاری تقریباً محال است.»

در پایان باید بیفزاییم که وی به رغم تحقیقات و مطالعات عمیقش درباره ابعاد مختلف دین اسلام، مسلمان نشد و چند سال قبل درگذشت.

۷. **تاناکا شیرو** نیز تمام قرآن را به زبان ژاپنی ترجمه کرد. این ترجمه با عنوان معانی قرآن شگفت‌انگیز^۲ در سال ۱۹۷۲ به همت «شرکت ژاپنی صنعت و تجارت»^۳ در ژاپن

1. Keio.

2. Tanaka, Shiro.

3. Hiten-Koran-No-Chie .

4. jitsugyo-no-nihon sha.

به چاپ رسید.

۸. سه محقق ژاپنی به نام‌های فوجی موتوکاتسوجی^۱، بان یاسوناری^۲ و ایکدا اوسامو^۳ قرآن را با همکاری یکدیگر به زبان ژاپنی ترجمه کردند. کاتسوجی کار چاپ و انتشار را بر عهده داشت و کار ترجمه بر عهده آن دو تن دیگر بود. این ترجمه به طور مستقیم از متن عربی قرآنی که در سال ۱۹۲۳ در مصر به چاپ رسیده بود، انجام شد. ناشر این ترجمه، «انتشارات مرکزی افکار عمومی»^۴ یکی از خوشنام‌ترین ناشران ژاپنی است که توانست آن را در سال ۱۹۷۹ در یک جلد به نام *Koran* به عنوان یکی از سلسله شاهکارهای جهانی به چاپ برساند. در این ترجمه به جای به کارگرفتن مترادف‌های نامأنوس مذهبی، از اصطلاحات رایج در زبان ژاپنی استفاده شده و توانایی علمی اغلب خوانندگان ژاپنی در درک معانی این کتاب مقدس در نظر گرفته شده است. به همین سبب تعصب خاصی در حفظ چهار چوب مفاهیم آن به کار نرفته و به منظور آشنایی بیشتر خوانندگان، توضیحات فراوانی در ضمن ترجمه و در حاشیه آن آورده شده است. از همین رهگذر است که پاره‌ای کاستی‌ها نیز در آن راه یافته است. این ترجمه به آسانی در کتابفروشی‌های سراسر ژاپن یافت می‌شود و در کتابخانه‌های مراکز آموزشی نیز به طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد.

چنان که پیش‌تر اشاره شد، طی سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۷۰، حدود هفت ترجمه به زبان ژاپنی از قرآن مجید انتشار یافت که صرف نظر از فراز و نشیب‌های کیفی، تا حدودی در آشنا ساختن مردم ژاپن با قرآن نقش بسزایی داشتند؛ گرچه این واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت که متأسفانه بیشتر مترجمان آنها مسلمان نبوده‌اند. از این رو، همه بر این قول اتفاق نظر دارند که ترجمه قرآن کریم به زبان ژاپنی، وظیفه‌ای است که باید از سوی یک مسلمان متخصص ژاپنی به صورتی شایسته انجام پذیرد.

۹. یکی دیگر از ترجمه‌های ژاپنی ترجمه‌ای است که آن را شیخ الاسلام مسلمانان ژاپن

1. Fujimoto Katsuji.
2. Ban Yasunari.
3. Ikeda Osamu.
4. Chuo-Kōron Sha.

حاج عمر میتا ریوایچی^۱ انجام داده است. این ترجمه با عنوان *Sei-Koran* نخستین بار در سال ۱۹۷۲ و سپس در سال ۱۹۸۲ به همت «انجمن اسلامی ژاپن» چاپ و منتشر گردید. ترجمه مزبور صرف نظر از این که توسط یک محقق مسلمان ژاپنی انجام شده، دارای ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی نیز هست. در این ترجمه هر آیه از متن عربی در برابر برگردان ژاپنی آن قرار داده شده و در حاشیه نیز یادداشت‌های کوتاهی درباره آیات آمده است.

نگاهی به زندگی حاج عمر میتا رهبر مسلمانان ژاپن، ما را تا حدودی با روند زندگی او و چگونگی مسلمان شدنش آشنا می‌سازد. او جایگاه خاصی در میان مسلمانان ژاپن داشت و برجسته‌ترین فرد در تاریخ معاصر اسلام در ژاپن به شمار می‌رفت. حاج عمر میتا در نوزدهم دسامبر ۱۸۹۲ در یک خانواده سامورایی در شهر فوجو واقع در منطقه یاماگوشی و در بخش غربی یکی از جزیره‌های اصلی ژاپن «هونشو» دیده به جهان گشود. شرایط سخت زندگی و ناتوانی جسمی‌اش که از دوران کودکی او را آزار می‌داد موجب شد تا دیرتر از همسالان خود، سال‌های تحصیلی را پشت سر بگذارد. به همین جهت در سن ۲۴ سالگی از دانشکده بازرگانی یاماگوشی فارغ التحصیل شد و اندکی پس از فراغت از تحصیل عازم چین شد؛ کشوری که از مدت‌ها قبل آرزوی رفتن به آن جا را داشت. نام چین برای ریوایچی، از دوران کودکی نامی آشنا بود و جنگ‌های چین و ژاپن او را در مورد چین، کنجکاوتر کرده بود. سفر وی به چین و دیدارش از این کشور، به او این فرصت را نیز داد تا با اسلام آشنا شود. ریوایچی، در زمینه پزشکی هم مهارت‌هایی داشت؛ از این رو با سفر به نقاط مختلف چین و اشتغال به کار پزشکی، با مردم آن کشور آشنایی فراوانی پیدا کرد و همزمان زبان چینی را نیز آموخت و تجربه‌های فراوانی در زندگی کسب کرد. ریوایچی در طول این مدت تحت تأثیر افکار مسلمانان چینی قرار گرفت و با مبانی اسلام آشنایی فراوانی پیدا کرد، تا آن جا که در سال ۱۹۲۰، در یک مجله ژاپنی که در زمینه اقتصاد خاور دور تحقیق می‌کرد، مقاله‌ای تحت عنوان «اسلام در چین» به رشته تحریر درآورد. بررسی زندگی ریوایچی نشان می‌دهد که او قبل از سفر به چین نیز آشنایی مختصری با اسلام داشته است.

۱۰. یک مسلمان ژاپنی به نام علی‌آبه هارو^۲ فقط سی و هشت سوره از قرآن کریم را به زبان

1. Haj Omar Mita Ryoichi.

2. Ali Abe Haruo.

ژاپنی در آورد که البته متن عربی قرآن همراه با ترجمه ژاپنی و انگلیسی نیز در آن درج شده است. این ترجمه ناقص با نام *Sei-Quran* در سال ۱۹۸۲ توسط انتشارات «تانی زاوا شوبو»^۱ در ژاپن چاپ و منتشر گردید.

۱۱. نویسنده این مقاله نیز پس از سال‌ها تلاش، سرانجام یازدهمین ترجمه کامل قرآن کریم به زبان ژاپنی را با عنوان قرآن، تقدیم به خوانندگان آ به انجام رسانید. این ترجمه در سال ۱۹۸۸ با کمک مالی برخی از مسلمانان نیکوکار ژاپنی در شمارگانی محدود چاپ شد و بین مسلمانان ژاپن توزیع گردید.

نویسنده، علاوه بر ترجمه فوق، دو بار دیگر نیز قرآن را با اسلوبی جدید به زبان ژاپنی درآورده است. این دو ترجمه را می‌توان دوازدهمین و سیزدهمین ترجمه قرآن به زبان ژاپنی به شمار آورد. نخستین آنها در ۲۷ ژانویه سال جاری با هزینه شخصی در چند جلد و در ششصد صفحه در شمارگانی محدود به چاپ رسید، و دومین آنها نیز حروف چینی و آماده چاپ شده است. ذکر این نکته لازم است که این دو ترجمه جدید، در تهران، در هشتمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم در معرض دید علاقه‌مندان قرآن قرار داده شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Tanizawa Shobo.

2. *Kin-hissha-Quran* .